

نویسنده کتاب «کشتن برای هیچ» زن جوانی را از زندان آزاد کرد

اواسط سال 1401 زنگ خانهای در یکی از خیابانهای مشهد به صدا درآمد و زمانی که زن جوان مقابل در خانه‌اش رفت با یک مأمور کلانتری مواجه شد که حکم جلب او را در دست داشت.

مدتی بود که شوهر مهنار متواری شده و خودش هم نمی‌دانست کیوان کجاست و اطلاعی از او نداشت. کیوان در کار خرید و فروش خودرو بود اما به بهانه خرید خودروی ارزان پول چند نفر را بالا کشید و فرار کرد.

مأموری که مقابل در ایستاده بود در پاسخ به صحبت‌های مهنار که گفت همسرمدتی است که به خانه نیامده و از او خبری ندارم، جواب داد: خانم حکم جلب شما صادر شده است. چک‌ها به نام شما بوده و شما طرف حساب طلبکارها هستید.

بعد هم با کمک مأمور زنی که در چند قدمی‌شان ایستاده بود، دستبند را به دستان مهنار زده و زن جوان روانه زندان شد. از کیوان هیچ خبری نبود و هر روز یک طلبکار با چک‌های بی‌محللی که متعلق به مهنار بود، به دادسرا می‌آمد و تعداد شکایتش بیشتر می‌شد.

طلب میلیاردری که زن جوان توانایی پرداخت آن را نداشت و خانواده‌اش تلاش کردند تا این طلب را پرداخت کنند، اما مقدار طلب بیشتر از توانایی خانواده مهنار بود و زن جوان یک سال و نیم پشت میله‌های زندان به امید روزی بود که معجزه‌ای رخ دهد و او بتواند از زندان آزاد شود و به خانه‌اش و نزد بچه‌هایش برگردد.

معجزه‌ای که چند روز قبل رخ داد و خیری مسئولیت پرداخت تمامی بدهی او را به عهده گرفت.

این فرد نیکوکار بازپرس میثم حسین‌پور، قاضی خوشنامی است که چند سال قبل نیز با فروش خودنویس خود توانست با پول آن مسبب آزادی یک زندانی شود. حالا این بار وی با فروش کتابش این کار را کرده بود.

قاضی دادگاه لواسانات در این رابطه به خبرنگار «ایران» گفت: چند سال قبل، خودنویسم را که 6 سال با آن حکم آزادی زندانیان و صدور قرار منع تعقیب نوشته بودم را برای فروش گذاشتم و چند زندانی با هزینه خرید آن آزاد شدند. بعد از آزادی زندانیان، تصمیم گرفتم کتابی از تجربه‌هایم در رسیدگی به پرونده‌های جنایی بنویسم و مبلغی را که از فروش آن به دست می‌آوردم بازهم هزینه آزادی زندانیان کنم.

او ادامه داد: در مدت یک سال و نیمی که بازپرس جنایی بودم، افرادی را می‌دیدم که ناخواسته قاتل شده‌اند. آدم‌های عادی که ذاتاً خشونت در زندگی‌شان نبوده و به خاطر حادثه دست به قتل زده‌اند. افرادی که هرگز تصور نمی‌کردند روزی دستشان به خون کسی آغشته شود.

اسم کتاب را «کشتن برای هیچ» گذاشتم و در مدت 5 ماه آن را نوشتم. کتابی که به غیر از جنبه رمانی و داستانی‌اش، آموزشی و پیشگیری از جرم هم محسوب می‌شود و به ما می‌آموزد هر کسی ممکن است قاتل شود و بهتر است در دقایق عصبانیت، کمی صبر کند. عید نوروز امسال از کتاب رونمایی کردم و هنرمندان و بازیگران و ورزشکاران زیادی آگهی کتابم را در فضای مجازی منتشر کردند.

قاضی دادگاه لواسانات ادامه داد: در کمتر از 24 ساعت با تبلیغاتی که هنرمندان و ورزشکاران کردند، نزدیک به 500 نسخه از کتابم به فروش رفت و رکورد باورنکردنی را برای خود به جا گذاشت. سهمی که از نویسندگی کتاب به من می‌رسید همان طور که تصمیم گرفته بودم برای آزادی زندانیان در نظر گرفتم. من خادم حرم امام رضا (ع) هم هستم و در رفت و آمدهایم به مشهد با پرونده خانمی مواجه شدم که به خاطر کلاهبرداری‌های شوهرش یک سال و نیم بود که به زندان افتاده بود. مبلغ فروش کتاب با مبلغی که خانم جوان برای آزادی نیاز داشت یکی بود و موفق شدیم هزینه آزادی‌اش را پرداخت کنیم. زن جوان در آستانه آزادی است و عید فطر به خانه‌اش بازخواهد گشت.

بدین ترتیب با فروش کتاب قاضی جوان، مهنار که هرگز تصورش را نمی‌کرد مبلغ بالای بدهی‌اش را بتواند پرداخت کند و آزاد شود، با معجزه‌ای از جانب امام رضا (ع) مواجه شد.

*ایران: مرضیه همایونی